


نیا

۵۶

ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی

فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱، مطابق با جمادی الاولى و جمادی الثانی ۱۴۳۳





قَالَتْ فَاطِمَةُ الزُّهْرَاءُ - سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا -
مَنْ أَضْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصًا
عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ
أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.

«تنبيه الخواطر، ص ١٠٨»

حضرت فاطمه زهرا - سلام الله عليها -
- فرمود: هر کس عبادات و کارهای
خود را خالصانه برای خدا انجام دهد،
خداوند بهترین مصلحت ها و برکات
خود را برای او تقدیر می نماید.

گوناگون

۴۲



بیست نکته
برای غلبه
بر خشم

۴۴



چه کفشی بپوشیم، چه
کفشی نپوشیم؟

۴۶ مصرف پرتقال



۴۷

مسابقه نسیم

اجتماعی-تربیتی

۲۴

اخبار مسجد امام
حسین (علیه السلام)
اخبار مسجد امام حسین
(علیه السلام)

۲۶ ملی شدن صنعت نفت



۲۸ جوان و رسالت خانواده

۳۲ تاسیس حوزه علمیه قم

۳۵



پنجاه و پنج نکته
ارزشمند در
تربیت کودکان

۱۲ فروردین، روز
«جمهوری اسلامی»

۳۸



۴۰ مدرسه سالم

اعتقادی- فرهنگی

۴

آموزه هایی از زندگی
حضرت زهرا
(سلام الله علیها)

۶



تولد
ابوعلی
سینا

۱۰

زندگی نامه
شیخ محمد خیابانی

۱۲

زینت پرستش گران

۱۸

زندگی شیخ حکیم



۲۰ «عقیله بنی هاشم»

شهادت استاد مطهری ۲۳

زیر نظر هیئت تحریریه
طراح گرافیک: اعظم رضایی

نسیم از آثار خوانندگان گرامی استقبال می کند
صندوق پستی: ۲۳۰۶۴ / دبی
فاکس: ۳۴۹۷۳۶۷ - ۴
تلفن: ۳۴۴۲۸۸۶ - ۴
ایمیل: info@3rdimam.com



آموزه‌هایی از زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

قسمت اول

ص ۳۴۹ و ج ۲ ص ۳۵۵)
آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می‌آید و امکان دارد بیاید. یک تناسب لازم دارد بین روح آن کسی که جبرئیل می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است. این تناسب بین جبرئیل و انبیاء درجه اولی بوده مثل رسول خدا(ص) و موسی و عیسی و ابراهیم(ع) و امثال اینها. میان همه کس نبوده است. بعد از این هم میان کسی دیگر دیده نشده است. حتی درباره ائمه(ع) هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضائلی که برای حضرت زهرا(س) ذکر کرده‌اند بالاتر می‌دانم. این فضیلت مختص حضرت صدیقه است. (صحیفه نور ج ۲۰ ص ۴-۵-۶)

امام راحل (ره) در جایی دیگر می‌فرماید: برای تمام ابعادی که برای زن و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا(س) جلوه کرده است. او تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان است. او موجودی ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است. بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر گشته است. فاطمه(س) زنی است که تمام ویژگی‌های انبیاء در اوست. زنی که اگر مرد بود نبی بود. زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود. (صحیفه نور ج ۷ ص ۳۳۷)

آموزه‌های تربیتی و اخلاقی حضرت فاطمه(س) آموزه اول) حجاب کامل

امام موسی بن جعفر(ع) از پدرانش نقل فرموده است که امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود: روزی فرد نابینایی اجازه

به طور قطع بهترین آموزه‌های تربیتی و اخلاقی و مطمئن‌ترین روش‌های سلوکی برای انسانهای مشتاق کمال و تشنگان هدایت و جویندگان سرچشمه زلال معرفت، دیدگاه‌های اولیاء الهی و در رأس آنان حضرات چهارده معصوم(ع) است. زیرا قلوب مطهر آنها از دریای بی‌کران وحی و الهام پروردگار روشنایی گرفته و تراوش‌های ذهنی ایشان از هرگونه خطا و اشتباهی مصون است آنچه در پی می‌آید بیان گوشه‌ای ناچیز از معارف گسترده بانوی بانوان حضرت فاطمه(س) است که با هم آن را از نظر می‌گذرانیم.

بالاترین فضیلت حضرت زهرا(س) از دیدگاه امام خمینی(ره)

فاطمه(س) افتخار خاندان وحی است. زنی که فضائل او هم‌تراز فضائل بی‌نهایت پیغمبر اکرم(ص) و خاندان عصمت و طهارت بود. (صحیفه نور ج ۱۲ ص ۲۷۴)
من راجع به حضرت صدیقه(س) خودم را قاصر می‌دانم که ذکری بکنم، فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت که در اصول کافی با سند معتبر نقل شده است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: فاطمه(س) بعد از رحلت پیامبر(ص) بیش از ۷۵ روز زنده نماند. غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی‌درپی به حضورش می‌آمد و او را در عزای پدر سلامت باد می‌گفت و تسلی بخش خاطر غمگین زهرا(س) بود. گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می‌گفت و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه‌اش وارد می‌گردید، خبر می‌داد و امیرالمؤمنین(ع) نیز آنچه جبرئیل املاء می‌کرد، همه را به رشته تحریر درمی‌آورد. مجموعه این سخنان است که به مصحف فاطمه(س) موسوم گردید. (اصول کافی ج ۱

خواست که به منزل فاطمه(س) وارد شود، آن حضرت خود را (با چیزی مانند پرده) از او پوشیده داشت. رسول خدا(ص) به او فرمود: چرا خود را پوشیده داشتی در حالی که نایبناست و ترا نمی بیند؟ حضرت فرمود: اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم و نیز رایحه و عطر را می بوید و شامه اش سالم است. رسول خدا(ص) فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی. (بانوی بانوان ص ۲۶ به نقل از بحار ج ۴۳ ص ۹۱)

آموزه دوم) اوصاف شیعه

مردی از همسرش خواست نزد فاطمه (س) برود و از قول او بپرسد که آیا من از شیعیان شما هستم؟ او به حضور حضرت (س) آمد و سؤال شوهرش را بیان کرد. زهرا(س) فرمود: به شوهرت بگو: اگر آنچه را به شما امر می کنیم انجام دهی و آنچه را که از آن نهی می کنیم، انجام ندهی از شیعیان ما هستی و گرنه از شیعیان ما نیستی. وی نزد شوهرش آمد و سخن فاطمه (س) را به او رساند. او از این پاسخ ناراحت شد با آه و ناله گفت: وای بر من، کیست که به گناه آلوده نباشد، بنابراین اگر از گناه پاک نشوم، شیعه نیستم، در آن صورت همیشه در دوزخ خواهیم بود. وای بر من چه خاکی بر سرم کنم؟ همسرش وقتی او را چنین آشفته دید به حضور حضرت زهرا (س) برگشت و داستان را به عرض رساند، فاطمه (س) فرمود به شوهرت بگو: چنین نیست که تو تصور می کنی. شیعیان ما از افراد نیک اهل بهشت هستند، ولی اگر گناه کار باشند، بر اثر گرفتاریها و صدماتی که در صحرائی محشر، در روز قیامت، یا در طبقه اعلائی دوزخ می بینند، گناهانشان ریخته می شود و سپس ما آنها را نجات می دهیم و به بهشت می بریم. (داستانهای روایی ص ۴۹۹) همان طور که ملاحظه می شود از دیدگاه رهبران الهی ملاک شیعه عمل به دستورات آنها است و نه داشتن اسم و رسم و ادعا. لذا از خدا توفیق عمل و نیت صالح برای همه بخواهیم.

آموزه سوم) از خودگذشتگی و ایثار

عرب تازه مسلمانی درمسجد مدینه از مردم کمک خواست. پیامبر(ص) به اصحاب خود نگریست. سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن بیچاره را برطرف سازد. هر جا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می آمد که چشمش به منزل حضرت فاطمه(س) افتاد، با خود گفت: فاطمه (س) سرچشمه نیکوکاری است. درب خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا (س) فرمود: ای سلمان، سوگند به خداوندی که حضرت محمد را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندان حسن و حسین (ع) از شدت گرسنگی بی قراری می کنند و خسته و مانده به خواب رفته اند. اما من، نیکوکاری که درخانه مرا کوبیده است را رد نمی کنم. آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد.

سلمان فارسی می گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه (س) آمدم و گفتم: دختر رسول خدا مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار. حضرت پاسخ فرمود: ای سلمان، این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی بر نمی داریم. (فرهنگ سخنان فاطمه (س) ص ۱۱۹)

آموزه چهارم) کیفیت رابطه با مردم و خانواده

معیار و میزان سنجش ارزشمندی انسان از دیدگاه فاطمه (س) روابط شایسته با مردم و خانواده است. حضرت دراین باره می فرماید: بهترین شما کسی است که دربرخورد با مردم نرم خو و مهربان تر است و ارزشمندترین مردان شما آن کسانی اند که با همسران خود مهربان و بخشنده هستند. (همان ص ۱۳۹)



ابن سینا الگویی ارزشمند

کشور ایران با تاریخی چند هزار ساله و فرهنگی به پشتوانه دین مبین اسلام همواره کانون پرورش و ظهور دانشمندانی برجسته بوده است. آنان با خلق آثار جاودانه، زمینه پیشرفت علوم مختلف را در سطح جهانی پدید آورده اند. یکی از آن چهره های جهانی، شیخ رئیس ابوعلی سیناست که با تألیف کتاب هایی گران بها در علوم مختلف، خدمات شایانی به جهان علم کرده است.

ابن سینا دانشمند برجسته مسلمان در عرصه جهانی، می تواند الگویی برای دانش پژوهان کشورمان قرار بگیرد و ما ملت ایران می توانیم با آشنایی و الهام از زندگی این دانشمند بزرگ و با بهره گیری از منابع عظیم فرهنگ اسلامی و تلاش خویش، کشوری آباد، آزاد و پیش رو بسازیم و به لطف خداوند بار دیگر شاهد رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی باشیم.

ظهور یک پدیده

ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله معروف به ابوعلی یا ابن سینا، ملقب به شیخ رئیس، رئیس العقلا و شرف الملک در مورخه سوم صفر سال ۳۷۰ هجری قمری در یکی از روستاهای بخارا به نام آفشنه به دنیا آمد.

بخارا در آن زمان پایتخت سامانیان بود و اکنون، شهری است در جمهوری ازبکستان، پدرش که از مردم بلخ بود، پیش از تولد ابن سینا به بخارا آمد و به کاری در دستگاه حکومتی بخارا گماشته شد، از آن جا زنی به نام ستاره گرفت و از آن زن ابن سینا و برادرش محمود متولد شدند. پدر ابن سینا، مردی دانش دوست بود و با فراهم کردن امکانات و تشویق ابن سینا سهمی بسزا در پیشرفت علمی او داشته است.

استادان و مراحل تحصیل

ابن سینا از همان دوران کودکی، دارای هوشی سرشار بود. او موفق شد تا ده سالگی قرآن و اصول دین را در منزل بیاموزد. علم حساب را از بقالی بخارایی و فنون دیگر و ریاضی را از محمود مساح و فقه را از اسماعیل زاهد فرا گرفت. منطق، هندسه و

نجوم را نزد ابو عبدالله

ناتلی و طب را از

ابومنصور حسن بن

نوح آموخت. وی

هم چنین، طبیعیات

تولد ابوعلی سینا

و ماوراء الطبیعه و بسیاری از علوم دیگر را بی استاد فرا بگیرد. ابن سینا توانست با معالجه نوح بن منصور سامانی، در ۱۶ یا ۱۷ سالگی، اجازه ورود به کتابخانه معروف سامانیان را بگیرد و با مطالعه آن کتاب ها تا ۱۸ سالگی، بهره های فراوان گرفت. به طوری که در ۲۱ سالگی کتابی را نوشت. ابن سینا در جوانی به اندازه ای کوشید که به گفته خود او، هر چه آموخته بود، در همان ایام جوانی فرا گرفته بود.

هوش و حافظه ای فوق العاده

ابن سینا هوش و حافظه ای خارق العاده داشت، سرعت یادگیری اش شگفت بود، به گونه ای که توانست بسیاری از علوم را بی استاد بیاموزد و گاهی نیز بر استادان خویش خرده می گرفت و به آنان علم می آموخت. در معالجه و درمان بیماران بسیار حاذق و دارای سرعت عملی شگفت بود، به طوری که در همان ایام جوانی شهرتی عالم گیر یافت و بسیاری از دانشمندان در مسائل مشکل به او رجوع می کردند و او با درایت و تسلط کامل به آنان پاسخ می گفت.

ویژگی های اخلاقی

ابن سینا علاوه بر عظمت علمی و هوش و حافظه اعجاب انگیزش انسانی وارسته با کمالات شگفت اخلاقی بود؛ درباره او گفته اند: با زیردستان بی اندازه رؤوف و مهربان بود. کودکان را دوست می داشت و برای به نشاط آوردن آنان داستان های نشاط آور می گفت، به تنگ دستان بذل و بخشش می کرد و در برابر بیماران

بی اندازه فروتن و متبسم ظاهر می گشت، در منصب وزارت و هر مقام و موقعیت مهمی که داشت، عموم مراجعان را به ملاحظت و خوش رویی می پذیرفت و برای ایجاد فضای صمیمی بین خود و دادخواهان، بیشتر شوخی و مزاح می کرد تا تقاضای خود را بی پروا بیان کنند. بسیار موقر و متین و بیانی جالب توجه و جذاب داشت، کم حرف می زد و بیشتر شنونده بود.

ارتباط با خداوند و اولیای او

ابوعلی سینا، همواره متوجه حضرت حق بود و هیچ گاه خود را بی نیاز از باری تعالی ندانسته است، چنان که خود او بیان می کند که: «هرگاه در مسأله ای سرگردان می ماندم، به مسجد می رفتم و نماز می گذاردم و از خداوند طلب یاری می کردم، تا این که مسأله بر من آسان می گشت.» او به خداوند، انبیا و اولیای او بسیار مؤمن و معتقد بود و سرلوحه تمام آثار خود را با سپاس گذاری از نعمت های خداوند و تکریم پیامبران و راهنمایان دین آغاز کرده است. در ایام پایانی عمر، هر سه روز یک بار از حفظ ختم قرآن می کرد. درباره عشق او به حضرت علی علیه السلام نیز گفته اند او همواره این ابیات را زمزمه می کرده:

تا باده عشق در قدح ریخته اند و ندر پی عشق،
عاشق انگیخته اند
با جان و روان بوعلی مهر علی چون شیر و شکر به
هم در آمیخته اند

معالجه با شیوه های روان شناسانه

یکی از نزدیکان قابوس بن وشمگیر، حاکم گرگان بیمار شد، اطبا در معالجه او عاجز ماندند. ابن سینا به بالین بیمار آمد و با مشاهده اوضاع او یک باره متوجه علت بیماری جوان گشت. سپس کسی را خواست که محله ها و کوچه های گرگان را بشناسد، به او گفت که تمام محله ها و کوچه های شهر را نام ببرد و خود نیز نبض جوان را در دست گرفت و مشاهده کرد که نبض جوان با شنیدن نام یکی از محله ها و کوچه ها، حرکتی عجیب کرد، سپس شخص دیگری را که اهالی آن کوچه را بشناسد، طلب کرد و با تکرار همین روش دریافت که نبض جوان با شنیدن نام یکی از خانه ها و از میان اهل خانه در برابر یکی از دختران آن خانه همان حرکت را تکرار کرد. پس رو به اطرافیان کرد و گفت: درد این جوان عشق است و دوی آن وصال معشوق، ابن سینا با بهره گرفتن از فنون روان شناسی موفق به معالجه و بهبود آن جوان گردید.



نجات از مرگ

درباره هوش و استعداد شگرف ابن سینا، حکایت های بسیار گفته اند؛ از جمله این که روزی در مسیر سفر، به گروهی برخورد که مشغول دفن میتی بودند. وقتی ابن سینا چشمش به میت افتاد، بانگ برآورد که دست نگه دارید که این شخص زنده است. مردم حیرت کردند و به او گفتند، این چه سخنی است که می گویی، ابن سینا گفت او را به من بسپارید تا بعد از مدتی او را تن درست به شما باز دهم. آنان با تعجب و تردید میت را به ابن سینا سپردند. ابن سینا مقداری خون از او بگرفت تا آن که نفس آن میت برآمد، سپس رگ او را گرفت و بعد از ساعتی، قدری دیگر خون از او برداشت، آن شخص چشم بگشود و آن گاه بعد از ساعتی کمی دیگر از او خون گرفت تا این که آن شخص بنشست و از احوال خود جويا شد. سپس ابن سینا به معالجه او قیام نمود تا این که سلامت خویش را به دست آورد و از مرگ حتمی نجات یافت.

تهمت کفر

ابن سینا افکار و عقاید خود را درباره مسأله های مختلف علمی، در محفل های رسمی و دیگر، هر چند که قیدها و تشریفات بر مجلس حاکم بود، بی پروا ابراز می داشت و عقاید و افکار غلط و کج را با دلیل های محکم به شدت رد می کرد. برای همین، بیشتر دانش مندان از مناظره با او دچار رعب و وحشت می گشتند؛ زیرا دلیل های او بر اطلاعاتی وسیع و گسترده در مبحث های گوناگون استوار بود. او بیشتر با تقریرها و اظهارهای خود اشخاص، علیه آنان استدلال می کرد. در نتیجه این مسأله ها و عامل هایی چون رشک و حسادت، باعث کینه و دشمنی بعضی از دانشمندان و کم مایه گان، با او گردید تا جایی که بعضی از آنان، ابن سینا را تکفیر کردند و ابن سینا نیز در جواب آنان این دو بیتی را سرود:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکم تر از ایمان
من ایمان نبود
در دهر چو من یکی و آن هم کافر پس در همه دهر
یک مسلمان نبود

بر خورد عقل و عشق

ابوسعید ابوالخیر، از معروف ترین مشایخ صوفیه قرن چهارم و پنجم (متولد ۳۵۷ و متوفی ۴۴۰ ه.ق) روزی در نیشابور مجلسی داشت که ابن سینا وارد شد. ایشان پیش از این یک دیگر را ندیده بودند، اگر چه میان آنان نامه نگاری شده بود. چون بوعلی وارد شد، ابوسعید رو به وی کرد و گفت حکمت دانی آمد. پس از پایان مجلس با هم در خانه شدند و تا سه شبانه روز در خلوت سخن می گفتند و هیچ کس نزدیک ایشان

نرفت، مگر که اذن گرفت و جز به نماز جماعت بیرون نیامدند. بعد از سه شبانه روز بوعلی رفت. شاگردان از بوعلی پرسیدند که شیخ ابوسعید را چگونه یافتی؟ گفت: هر چه ما می دانیم او می بیند و مریدان ابو سعید از او پرسیدند که بوعلی را چگونه یافتی؟ گفت: هر چه ما می بینیم او می داند. بعد از این دیدار بوعلی به ابوسعید ارادت مند شد و پیوسته به دیدارش مشتاق بود.

عشق به تألیف

ابن سینا علاقه بسیار به تألیف کتاب داشت و همواره به تألیف مشغول بود. مسأله ها و مشغله هایی چون، وزارت، طبابت، درس و بحث و سفر و زندان، نتوانسته اند او را از نوشتن باز دارند. او بیشتر بعد از نیمه شب و هنگام سکوت، آثار خود را خلق می کرد و گاهی شب ها تا صبح، به مطالعه و تحریر مشغول بود.

از ابن سینا ۴۵۶ کتاب و رساله در رشته های طب، فلسفه، حکمت، منطق، فقه، بیان، علوم طبیعی و ماوراءالطبیعه، نجوم و هیأت و ریاضیات، گیاه شناسی، لغت، عروض، شعر و موسیقی به جای مانده است که از آن جمله است: الاشارات و التنبیهاات فی المنطق و الحکمه از مهم ترین نوشته های او در فلسفه و حکمت؛ شفا که در حکمت است و به زبان های بسیار ترجمه شده؛ القانون فی الطب، در پزشکی که به بیشتر زبان های دنیا ترجمه شده و حاشیه های بسیار بر آن نوشته شده و معروف ترین کتاب او در رشته پزشکی است.

شهرت عالم گیر

ابن سینا از شمار دانشمندانی است که در جهان شرق و غرب، شهرت و محبوبیت بسیار دارد. شهرت او در مغرب زمین، بیشتر در طب بوده و تا قرن ۱۷ میلادی تأثیر و رواج داشته است. در مشرق زمین نیز وی را جالینوس اسلام می شناسند و همواره تألیفات و آرای او را از برترین ها می شمردند و بر آثار او شرح ها و حاشیه های بسیار نوشته اند. با این حال، در بسیار از آثار او مطلب های تازه ای است که درباره آن، گسترده بحث نشده است. از علت های موفقیت او در مشرق زمین، دانستن بیشتر علوم قدیم بود، بسیار از مشکلات و مسائل حل نشده گذشته را پاسخ می گفت و بر بیشتر عقاید پیشینیان بویژه در حکمت، تفسیرها و شرح های روشن و فراگیری نوشته است.

کیفیت وفات

در یکی از جنگ های علاءالدوله، بوعلی دچار بیماری قولنج گشت. ابن سینا به مداوای خود پرداخت، ولی سودی نبخشید و بعد از مدتی بیماری صرع و روده نیز بدان افزوده شد. معالجات بسیار بوعلی و دیگر طبیبان هیچ گاه به ثمر نشست. وقتی بوعلی به شهر همدان رسید، ضعف بر او چیره